

گزارش

سخنگوی وزارت خارجه:

متن کامل تفاهم روز امضا منتشر خواهد شد

سخنگوی وزارت امور خارجه تفاهم خاتمه جنگ میان ایران و آمریکا را «تحول بسیار مهمی» دانست و گفت: متن کامل تفاهم در روز امضا منتشر خواهد شد. ۱۰ بندی که شورای امنیت ملی منتشر کرد، مبنی و اصول تیم مذاکره برای این یادداشت تفاهم و یک دستورالعمل مهم بود. باید مراقب عهدشکنی آمریکا باشیم و از تجارب قبلی درس بگیریم و نظامیان ما همیشه آماده هر پیشامدی هستند. بعدازظهر روز دوشنبه ۲۵ مردادماه نشست هفتگی سخنگوی وزارت خارجه با حضور خبرنگاران داخلی و خارجی برگزار شد. سخنگوی وزارت خارجه در ادامه با اشاره به توافق ایران و آمریکا برای خاتمه جنگ و امضای یادداشت تفاهم بین دو کشور در این زمینه طی روزهای آینده، گفت: این تحول بسیار مهمی بود و این محصول ایستادگی و مقاومت اسطوره‌ای ایرانیان در برابر تجاوزات دو بازیگر شرور و مجرّم به همه امکانات مادی بود. جا دارد همین‌جا از تمامی مردم و اقشار مختلف که در این ۱۱۰ روز پشتوانه مدافعان وطن در دو عرصه نظامی و دیپلماتیک بودند قدردانی کنم و به روح همه شهیدان این جنگ از جمله رهبر شهیدمان ادای احترام کنم و به آنها قول می‌دهیم در ادامه مسیر در راستای دفاع از ایران و تأمین منافع مردم ایران از هیچ کوششی فروگذار نباشیم. او در پاسخ به سوّالی در مورد جزئیات امضای یادداشت تفاهم بین ایران و آمریکا در سوئیس و اینکه چه کسی از ایران در این مراسم حضور پیدا خواهد کرد، گفت: در مورد جزئیات این موضوع به‌زودی اطلاع‌رسانی می‌کنیم. سخنگوی هیئت مذاکره‌کننده ایران همچنین در مورد نحوه امضای یادداشت تفاهم و جزئیات آن نیز گفت طی امروز و فردا تصمیم‌گیری در این باره قطعی خواهد شد و در مورد آن اطلاع‌رسانی می‌شود.
بقیای همچنین در پاسخ به سؤال دیگر ایستنا مبنی بر اینکه برخی از خبرگزاری‌های غربی اعلام کرده‌اند قبل از برگزاری نشست روز جمعه در ژنو و انجام مذاکرات بین ایران و آمریکا در این کشور، قرار است مذاکرات مقدّاتی در دوحه قطر برگزار شود، گفت: اینکه قبل از نشست ژنو سفری به کشورهای منطقه انجام شود در دستور کار قرار دارد و به محض اینکه قطعی شود، آن هم اعلام می‌شود. او ادامه داد: همان‌طور که گفتیم، برنامه داریم به برخی از کشورهای منطقه و همسایه سفر داشته باشیم. بقیای در ادامه این نشست و در پاسخ به سؤال دیگری مبنی بر اینکه آیا در یادداشت تفاهم اسلام‌آباد صرفا به «توقف جنگ در لبنان» اشاره شده یا «خروج رژیم صهیونیستی از خاک لبنان» نیز مدنظر است، گفت: شاید برای شما جالب باشد که در این یادداشت تفاهم، سه بار از کلمه لبنان استفاده شده؛ اینکه «خاتمه جنگ در همه جبهه‌ها به شمول لبنان» و «احترام به سیادت و تمامیت ارضی لبنان». فکت می‌کنم این عبارت کاملا روشن هست که هر تفاهمی در این باره باید شامل چه مواردی شود؛ احترام به تمامیت سرزمینی و حاکمیت ملی لبنان. از این رو کاملا روشن هست که مختصات این تعهد به چه شکل است. بقیای با اشاره به روند جنگ تحمیلی علیه ایران در پاسخ به سوّالی اظهار کرد: ما بعد از حدود ۱۰۰ روز، بعد از فرازوتنشیب‌های بسیار و بعد از اینکه طرف مقابل داعیه‌ا از بین بردن تمدن ایران را داشت، به دنبال تخریب مهمی زیرساخت‌های ایران بود و با بدترین تغییرات از ملت ایران نام برد، رسیدیم به جایی که شب گذشته تفاهم خاتمه جنگ در همه جبهه‌ها نهایی شد. فکر می‌کنم بررسی سربازی چرایی این روند خودش گویا خواهد بود. این مقام وزارت امور خارجه در ادامه با تأکید بر بی‌اعتمادی عمیق ایرانیان نسبت به آمریکا تصریح کرد: در عین حال باید با کمال شفافیت اذعان کرد عمق بدگمانی ایرانیان نسبت به آمریکا به دلیل شرایط جهانی طولانی هیئت‌های حاکمه آمریکا در حق مردم ایران که ابتدای آن به سال ۱۹۵۳ و قبل از آن تا آن‌ها برمی‌گردد ریشه‌دار است. از این رو تفاهم راه طولانی دارد برای اینکه اعتماد ایرانیان را جلب کند. بنابراین یادداشت تفاهمی ایجادشده صرفا یک گام در راستای کاهش تنش و خاتمه جنگی بود که هم به منطقه ما آسیب زد، هم باعث آسیب فراوان علیه ملت ایران شد و هم باعث خسران و شکست سنگین برای آغازکنندگان این تجاوز بود. بقیای افزود: مردم ایران به‌خوبی نشان دادند در راه دفاع از کیان ایران و صیانت از عزت، استقلال و حاکمیت ملی‌شان از هیچ تلاشی فروگذار نیستند و لذا ما باید بنییم مسیر آینده به چه سمت و سویی خواهد رفت.

او در پاسخ به سوّالی درباره مباحث اقتصادی یادداشت تفاهم بین ایران و آمریکا از جمله آزادسازی اموال بلوکه‌شده ایران، رفع تحریم‌ها و اخذ گرامت در قالب صندوق بازسازی، اظهار کرد: آزادشدن اموال مسدود یا محدودشده ایران در کنار موضوع بازسازی خسارات، دو موضوع مهمّ از حیث اقتصادی است و طرف آمریکایی متعهد می‌شود در هر دو مورد اقدامات لازم را انجام دهد.بقیای با تأکید بر حق ایران برای دسترسی به دارایی‌هایمنابع ارضی در موضوع در دسترس فرارگرفتن اموال مسدودشده ایران به عنوان یک حق، نه اینکه قرار است طرف آمریکایی پولی را به ایران بدهد، بسیار مهم است و تدابیر لازم در این زمینه در تفاهم رخ خواهد داد. بقیای خاطرنشان کرد: بازسازی خسارات نیز برای ما فوق‌العاده مهم است. مطالبه خسارت یکی از حقوق مسلم مردم ایران بوده که در روند مذاکرات پیگیری می‌شود. او در ادامه با اشاره به رفع تحریم‌ها بر اساس یادداشت تفاهم خاطرنشان کرد: بر اساس این یادداشت تفاهم، طرف آمریکایی به رفع همه تحریم‌هاعم از ثانویه، اولیه و تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل و قطع‌نامه‌های مربوط به شورای حکام آژانس موظف می‌شود. این موضوع در کنار مباحث مرتبط با بحث هسته‌ای، عنوان‌هایی است که در فرادای امضای یادداشت تفاهم قرار است در مورد آن صحبت شود و طرف مدت ۶۰ روز در مورد آن تفاهم ایجاد شود. این در واقع مقاله‌دهی اصلی مباحث اقتصادی ایران یادداشت تفاهم است. بقیای با تأکید بر اهمیت تعهد آمریکا نسبت به مفاد یادداشت تفاهم تصریح کرد: آن چیزی که برای ما مهم است، تعهد آمریکا به قول و قرارهای است که طبق این یادداشت تفاهم شکل گرفته است. مردم منطقه ما با توجه به تجربیات قبلی هیچ‌وقت نمی‌پذیرند رژیم صهیونیستی اقدامی را بدون هماهنگی و همکاری قبلی یا بعدی آمریکا انجام دهد. لذا آمریکا متعهد، موظف و مسئولیت دارد که تعهداتی که طبق این یادداشت تفاهم به آن ملزم شده، انجام بدهد. قاعته‌ا تا هر نقض عهدی که که طرف سایر بازیگران و متحدان آمریکا در منطقه صورت بگیرد، مسئولیتش بر عهده طرف آمریکایی خواهد بود. این مقام وزارت امور خارجه در پاسخ به سؤال خبرنگاری درباره اظهارات ترامپ برای آوردی مواد غنی‌شده هسته‌ای ایران از طریق انجام عملیات در داخل ایران و اینکه در متن یادداشت تفاهم چه تصمیمی درباره موضوع هسته‌ای ایران گرفته شده، اظهار کرد: فکر می‌کنم یک بار وارد شدند و دیدند چه شد. بنابراین اگر عاقل باشند، تکرار نخواهند کرد. بقیای با اشاره به محتوای یادداشت تفاهم تصریح کرد: در متن یادداشت تفاهم، همان‌طور که من قبلا هم عرض کرده بودم، راجع به جزئیات موضوع هسته‌ای بحثی را مطرح نکرده‌ایم. بقیای افزود: عدم ایفای این تعهدات، قاعده‌ا اقدام متقابل ایران را به دنبال خواهد داشت. تعهدات، متناظر و متقابل است. حتما کسی نمی‌تواند انتظار داشته باشد که جمهوری اسلامی ایران تعهداتش را اجرا کند و طرف مقابلش تعهداتش سرس باز بزند. او در پاسخ به سؤال خبرنگاری که از طرف دربار ضامنات‌های حقوقی یادداشت تفاهم و امکان تأیید آن توسط شورای امنیت سازمان ملل پرسیده بود، گفت: تکلیف این یادداشت تفاهم روشن است. قرار است توافق نهایی بعد از اینکه در بازه زمانی که عرض کردم ۶۰روزه کمتر یا بیشتر در همان مدت زمان - به نتیجه برسد، باید به یک قطع‌نامه الزام‌آور شورای امنیت سازمان ملل متحد ملزم شود. شما حتما بلافاصله در ذهن‌تان این سؤال ایجاد خواهید شد که ما تجربه خیلی ناخوشایندی داریم از نقض یک قطع‌نامه فصل هفتمی شورای امنیت سازمان ملل. این نکته درستی است. ما حتما از تجارب گذشته درس خواهیم گرفت. اینکه این توافق به قطع‌نامه شورای امنیت سازمان ملل متحد ملزم شود، برای استحکام حقوقی و جایگاه حقوقی این موافقت‌نامه خواهد بود.

عبدالرحمن فتح‌اللهی: در واپسین ساعات شامگاه یکشنبه و نخستین دقایق بامداد دوشنبه، در حالی که منظره در حساس‌ترین نقطه خود میان دو چشم‌انداز متضاد تشدید درگیری یا گشایش دیپلماتیک در نوسان بود، سسرانجام کفه دیپلماسی بر منطق تقابل سنگینی کرد و پس از ۶۹ روز ریزینی‌های فشرده، رفت‌وآمدهای مستمر میانجی‌ها و تلاش‌های پیکر بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی، تهران و واشینگتن به یک تفاهم اولیه دست یافتند و به تعبیری فضای شک‌کننده آتش‌بس به پایان جنگ ختم شد. بدون شک این تفاهم در وضعیتی مملسو از بی‌اعتمادی، تهدید و محاسبات متضاد شکل گرفت. از همین رو، بسیاری آن را نه یک توافق عدلی، بلکه نقطه‌ای تعیین‌کننده در مسیر تحولات آینده منطقه ارزیابی می‌کنند.

اهمیت این تفاهم از آن جهت دوچندان است که در شرایطی حاصل شد که تنها ساعاتی پیش از آن، حمله اسرائیل به ضاحیه جنوبی بیروت، بار دیگر سایه تشدید تنش‌ها را بر منطقه گسترانده بود. بااین‌حال، تهران از ترجیح‌دادن مسیر دیپلماسی و چشم‌پوشی از واکنشی که می‌توانست معادلات را به سوی رویارویی گسترده سوق دهد، عملا فرصت لازم را برای تثبیت روند مذاکرات فراهم کرد. از این منظر، کشور وارد مرحله‌ای جدید شده است؛ مرحله‌ای که می‌توان از آن به‌عنوان آغاز دوران «پساجنگ» یاد کرد؛ هرچند تحقق کامل این وضعیت همچنان به سرنوشت مذاکرات پیش‌رو وابسته است.

براساس گزارش‌ها، طرفین اکنون وارد بازه‌ای ۳۰ تا ۶۰روزه شده‌اند که امکان تمدید آن نیز وجود دارد و قرار است در این مدت، برای دستیابی به توافقی جامع‌تر تلاش کنند. بااین‌حال، همچنان عدم قطعیت‌های مهمی بر سر راه این روند قرار دارد. نخستین و مهم‌ترین ابهام، اختلافات بنیادینی است که هنوز میان دو طرف حل‌وفصل نشده و بخش مهمی از ریشه‌های جنگ تحمیلی اخیر نیز به همین اختلافات بازمی‌گردد. روشن است که اگر هر‌حالی پایدار برای این مسائل پیدا نشود، خطر بازگشت به چرخه تنش و حتی آزرگیری درگیری‌ها همچنان وجود خواهد داشت. در کنار این مسئله، نقش اسرائیل نیز به‌عنوان مهم‌ترین متغیر اخلاکرا همچنان برجسته است. بنیامین نتانیاهو که از آغاز روند مذاکرات یا دیده تردید به آن نکرده‌است، عملا با حمله اخیر به ضاحیه، نخستین نشانه‌های کارشکنی را آشکار کرد. افزون بر این، اعلام موضع تل‌آویو مبنی بر اینکه خود را ملزم به اجرای ترتیبات ناشی از تفاهم تهران و واشینگتن نمی‌داند، نشان می‌دهد مخالفان منطقه‌ای توافق همچنان در پی برهم‌زدن موازنه‌ای هستند که در توافقی شورای امنیت شکل گرفته است. از همین رو، هرچند دیپلماسی در نخستین گام موفق شده کشور و منطقه را از لبه پرتگاه دور کند، اما مسیر پیش‌رو همچنان شکننده، پیچیده و آکنده از مخاطرات خواهد بود.

تلاش دقایق آخر برای نجات تفاهم در سایه تهدید انتقام

در واپسین ساعات یکشنبه، هم‌زمان با افزایش نشانه‌های احتمال واکنش متقابل ایران به حمله اسرائیل به ضاحیه جنوبی بیروت، روند تحولات منطقه‌ای وارد مرحله‌ای فشرده و کم‌سابقه از دیپلماسی بحران شد؛ مرحله‌ای که در آن، تلاش برای جلوگیری از فروپاشی مسیر تفاهم ایران و آمریکا در مرکز تحركات سیاسی قرار گرفت. گزارش‌ها حاکی از آن بود، که حمله اسرائیل نه‌تنها روند مذاکرات را متوقف نکرد، بلکه به‌طور معکوس موجب تشدید تلاش میانجی‌ها برای حفظ گفت‌وگوها شد. در همین چارچوب، شبکه سی‌ان‌ان به نقل از یک دیپلمات مطلع گزارش داد هیئت نظارت همچنان در تهران حضور دارد و با هماهنگی مستقیم ایالات متحده، در حال ریزینی برای استمرار روند مذاکرات است. هم‌زمان، دونالد ترامپ اعلام کرد تنها ساعت پیش از موعد پیش‌بینی‌شده برای امضای تفاهم، از حمله اسرائیل به بیروت مطلع شده و این اقدام را عاملی دانسته که روند توافق را مختل کرده است. او از این حمله ابراز نارضایتی کرد و آن را اقدامی دانست که «همه چیز را به هم ریخت».

در منطقه نیز تحركات دیپلماتیک شدت گرفت. منابع اسرائیلی از تلاش بنیامین نتانیاهو برای دیدار فوری با ترامپ پس از نشست گروه هفت خبر دادند. در همین حال، گزارش‌هایی از افزایش نقش میانجی‌هایی همچون قطر و پاکستان منتشر شد که تلاش داشتند مسیر مذاکرات را از فروپاشی کامل حفظ کنند. در تهران، وزارت امور خارجه با انتشار بیانیه‌ای شدیدالحن، حمله اسرائیل را «نقض فاحش تفاهم آتش‌بس» میان ایران و آمریکا توصیف کرد و مسئولیت پیامدهای آن را متوجه تل‌آویو و واشینگتن دانست. بااین‌حال، در کنار ادبیات انتقادی، تأکید بر حق دفاع مشروع در عین حفظ مسیر دیپلماسی، نشان می‌داد تهران در پی مسدودشدن کامل کانال گفت‌وگو نیست. در سطح سیاسی داخلی نیز دوگانه‌ای از مواضع شکل گرفت: از یک سو، دید شورای عالی امنیت ملی از لزوم «پاسخ زرمندگان اسلام» در برابر نقض خطوط قرمز سخن گفت و از سوی دیگر، رئیس مجلس با تأکید بر نقش «دیپلماسی مقتدرانه»، تلاش کرد میان ضرورت پاسخ و حفظ مسیر مذاکره توازن برقرار کند. در ساعات ابتدای این روز دوشنبه، روند تحولات شتاب بیشتری گرفت و نشانه‌های توافق نهایی میان ایران و آمریکا آشکار شد. نخستین جرقه این تحول با پیام کوتاه وزیر کشور پاکستان و سپس اظهارات دونالد ترامپ درباره نزدیکی توافق زده شد. اندکی بعد، دولت پاکستان به‌طور رسمی اعلام کرد توافق صلح میان ایران و آمریکا حاصل شده و نخست‌وزیر این کشور از پایان فوری درگیری‌ها در جبهه‌های مختلف خبر داد و زمان امضای رسمی توافق در سوئیس را اعلام کرد. ترامپ نیز دقایقی بعد در پیامی رسمی، حصول توافق



را تأیید کرد و از پایان محدودیت‌های دریایی علیه ایران و بازگشایی تنگه هرمز خبر داد. هم‌زمان در تهران، مقامات از تکمیل متن یادداشت تفاهم پس از بیش از ۱۵ ساعت مذاکره فشرده با میانجیگری قطر خبر دادند. براساس اعلام منابع رسمی، دو اقدام فوری شامل پایان درگیری‌ها و رفع محاصره دریایی باید بلافاصله اجرا می‌شد. در ادامه، جزئیات بیشتری از مفاد توافق منتشر شد که شامل مذاکرات ۶۰روزه آینده با محورهایی همچون رفع تحریم‌ها، پرونده هسته‌ای، برنامه توسعه اقتصادی ایران و سازوکار نظارت بر تعهدات بود. برخی منابع همچنین از اضافه‌شدن بندهایی درباره احترام به حاکمیت لبنان و تسریع در لغو محدودیت‌های دریایی خبر دادند.

در همین روند، گزارش‌هایی از تغییرات لحظه‌آخری در متن تفاهم منتشر شد که براساس آن، موضوع لغو فوری محاصره دریایی جایگزین جدول زمانی ۲۰روزه شد. و حتی آزرگیری درگیری‌ها همچنان وجود خواهد داشت. همچنین سازوکار مدیریت تنگه هرمز به ایران و عمان واگذار شد. در برخی گزارش‌ها نیز به بسته‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری گسترده برای بازسازی اقتصاد ایران اشاره شد. در سطح امنیتی، اعلام شد که پس از حمله اسرائیل به ضاحیه، روند مذاکرات برای مدتی متوقف و نیروهای مسلح ایران در حالت آماده‌باش قرار گرفته بودند، اما این وضعیت با ازسرسگیری مذاکرات و ارائه امتیازات جدید از سوی طرف مقابل پایان یافت.

در نهایت، دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی با انتشار بیانیه‌ای رسمی، نهایی‌شدن یادداشت تفاهم را تأیید و اعلام کرد که جنگ در همه جبهه‌ها پایان یافته و مذاکرات برای توافق نهایی پس از اجرای تعهدات آغاز خواهد شد. به این ترتیب، ششی که با تکرانی از گسترش درگیری‌های منطقه‌ای آغاز شده بود، با اعلام یک تفاهم دیپلماتیک و ترسیم چشم‌اندازی تازه برای مذاکرات ایران و آمریکا پایان یافت؛ تحولی که اکنون نگاه‌ها را به مرحله اجرای توافق و نشست نهایی در سوئیس معطوف کرده است.

واکنش‌ها به تفاهم اولیه

در پی امضای تفاهم اولیه میان ایران و آمریکا و اعلام پایان جنگ، فضای سیاسی کشور با مجموعه‌ای از واکنش‌های رسمی و غیررسمی همراه شد، واکنش‌هایی که ضمن تأکید بر اهمیت این تحول، بر ضرورت حفظ انسجام داخلی و ادامه مسیر دیپلماسی تأکید دارند. مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور، در حاشیه همایش سراسری «حکمرانی هم‌افزا» با اشاره به نهایی‌شدن تفاهم گفت که این توافق با هماهنگی کامل به تصویب رسیده و قرار است در روزهای آینده به امضا برسد. او در عین حال با اشاره به عملکرد مدیریتی در دوران جنگ، تأکید کرد اداره کشور با وجود شرایط بحرانی، بدون اختلال ادامه یافته و ساختار اجرائی کشور توانسته ثبات خود را حفظ کند؛ موضعی که به گفته او، برخلاف تصور اولیه دشمنان از فروپاشی داخلی بوده است. در سطح سیاسی، مسعود جواد ظریف، وزیر امور خارجه پیشین، با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی ایکس، این تفاهم را نتیجه «هوشمندی رهبری و ابتکار تیم مذاکره‌کننده» دانست و آن را پیروزی ملی در برابر فشارهای خارجی توصیف کرد. او همچنین بر ضرورت حمایت ملی از مسیر دیپلماسی و تقویت بنیان‌های قدرتمند، چه در بُعد مادی و چه معنایی تأکید کرد.

در همین حال، سیدمحمد خاتمی، رئیس‌جمهور اسبق، در بیانیه‌ای تفصیلی، امضای تفاهم را «گامی بلند و مهم» برای عبور از بحران توصیف کرد. او با اشاره به هزینه‌های سنگین جنگ، ازجمله خسارات انسانی و اقتصادی، تأکید کرد که اکنون زمان حرکت به سمت صلح پایدار، بازسازی کشور و بهره‌گیری از ظرفیت‌های ملی و بین‌المللی فرا رسیده است. خاتمی همچنین تصریح کرد دیپلماسی و قدرت دفاعی باید به‌عنوان دو مؤلفه مکمل امنیت ملی در کنار یکدیگر دیده شوند و نه در تقابل با هم. در بخش دیگری از واکنش‌ها، آملی‌لاریجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، با تأکید بر «عظمت ایستادگی ملت ایران» و جنگ اخیر، این مقطع را زمان تأمل در دست‌آورددهی و مقاومت و انسجام ملی دانست. او ضمن پرهیز از نتیجه‌گیری شتاب‌زده درباره آینده توافق، بر نقش هم‌زمان مردم، نیروهای مسلح و نهادهای حکمرانی در حفظ ثبات کشور تأکید کرد.

از سوی دیگر، محمدجعفر قائم‌بنا، معاون اجرایی رئیس‌جمهور نیز با اشاره به نقش تولیدکنندگان در شرایط جنگی، آنان را «سرداران اقتضای کشور» توصیف کرد و گفت دولت در دوره پس از جنگ نیز با قدرت در کنار

در پایان مذاکرات فشرده تهران-واشینگتن و با صدور بیانیه شورای عالی امنیت ملی

جنگ تمام شد

شورای عالی امنیت ملی: جنگ در همه جبهه‌ها پایان یافته و مذاکرات برای توافق نهایی پس از اجرای تعهدات آغاز خواهد شد

امنیت داخلی اسرائیل، اعلام کرد تل‌آویو خود را ملزم به این توافق نمی‌داند و بر ادامه سیاست بازدارندگی مستقل تأکید کرد.

حسین معین‌آبادی، **تفاهم ایران و آمریکا می‌تواند یک فرصت باشد**، اما **باید محتاطانه به آن نگاه کرد**

در روزهایی که خبر شکل‌گیری یک تفاهم اولیه میان ایران و ایالات متحده بار دیگر فضای تحلیل‌های سیاسی را تحت تأثیر قرار داده، این پرسش جدی مطرح است که آیا این

تحول می‌تواند آغاز یک فصل تازه در سیاست خارجی ایران باشد یا صرفا یک توقف مقطعی در روندی پر تنش و

فرساینده خواهد بود؟ حسین معین‌آبادی در گفت‌وگویی با «شرق» و در پاسخ به این پرسش تلاش می‌کند تصویری واقع‌گرایانه و به‌دور از هیجان‌زدگی از این وضعیت ارائه دهد و تأکید می‌کند: «در سیاست بین‌الملل نه خوش‌بینی افراطی و نه بدبینی افراطی مبنای تحلیل درست نیست، چراکه تجربه تاریخی روابط کشورها نشان داده بسیاری از توافقات یا در عمل با چالش روبه‌رو می‌شوند یا در گذر زمان نیازمند اصلاحات جدی هستند». دانشیار علوم سیاسی دانشگاه شهید باهنر با اشاره به نمونه‌هایی مانند توافقاتی کنترل تسلیحات میان آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی توضیح می‌دهد: «حتی در ساختارهای باثبات‌تر نیز هیچ تضمینی برای اجرای دائمی توافق‌ها وجود ندارد و منافع کشورها هرچند ثابت تلقی می‌شوند اما ابزارهای رسیدن به آن منافع متغیر و قابل تغییرند، به همین دلیل توافقات‌ها فقط یکی از ابزارهای سیاست خارجی محسوب می‌شوند، نه تضمین‌کننده تغییر پایدار رفتار دولت‌ها».

مدرس روابط بین‌الملل در ادامه درباره نسبت این تفاهم با آینده روابط ایران و آمریکا تأکید می‌کند: «نباید آن را نقطه پایان یا آغاز قطعی دانست، بلکه باید در چارچوب یک روند طولانی و پیچیده تحلیل کرد که در آن عوامل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی به‌طور مستمر نقش دارند». معین‌آبادی بر مسیر توافق‌ها هستند». به گفته این مفسر حوزه سیاست خارجی: «تجربه‌هایی مانند برجام نیز نشان داده‌اند که حتی توافقاتی مهم بین‌المللی در برابر تغییرات سیاسی داخلی کشورها یا جابه‌جایی اولویت‌های قدرت‌های جهانی آسیب‌پذیرند و بنابراین هرگونه تحلیل باید با احتیاط و پرهیز از قطعیت‌های زود هنگام انجام شود». معین‌آبادی هم‌زمان به نقش تحولات منطقه‌ای و به‌ویژه جنگ اخیر نیز اشاره می‌کند و معتقد است: «این رخداد، علی‌رغم هزینه‌های انسانی و اقتصادی سنگین، موجب بازتعریف بخشی از معادلات قدرت در منطقه شده و ظرفیت‌های ایران در حوزه بازدارندگی و جنگ نامتقارن را بیش از پیش آشکار کرده است». دانشیار علوم سیاسی دانشگاه شهید باهنر خاطرنشان می‌کند: «ایران در این دوره توانسته بخشی از توانمندی‌های خود را در میدان واقعی آزمایش کند و این امر در کنار هزینه‌های واردشده، بر جایگاه دیپلماتیک کشور نیز اثر گذاشته است. به‌گونه‌ای که امروز نمی‌توان نقش ایران را در معادلات منطقه‌ای نادیده گرفت».

این استاد روابط بین‌الملل در ادامه تأکید دارد: «منطقه در وضعیت گذار قرار دارد و نظم سنتی در حال تغییر است؛ نظمی که در آن ایران از نگاه بسیاری از بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای به عنوان یک قدرت تثبیت‌شده شناخته می‌شود، هرچند این جایگاه همچنان با چالش‌ها و حساسیت‌های متعدد همراه است». او معتقد است: «این تحول صرفا نظامی نیست، بلکه ابعاد دیپلماتیک و ژئوپلیتیکی گسترده‌ای دارد و در واقع میدان و دیپلماسی بیش از گذشته یک‌دیگر پیوند خورده‌اند». حسین معین‌آبادی: «ایران از یک وضعیت صرفا تدافعی به نوعی بازدارندگی فعال رسیده است که در آن امکان ابتکار عمل در برخی حوزه‌ها نیز وجود دارد، هرچند این موضوع به معنای نادیده‌گرفتن هزینه‌های سنگین گذشته نیست».

این مدرس دانشگاه در بخش دیگری از این گفت‌وگو به موضوع آینده توازن در سیاست خارجی میان شرق و غرب بعد از تفاهم ایران و آمریکا می‌پردازد و توضیح می‌دهد: «ایران هیچ‌گاه به‌طور کامل وابسته به شرق نبوده اما فشار تحریم‌ها و محدودیت‌های ساختاری موجب شده بود توازن طبیعی در روابط خارجی کشور به هم بخورد و وزن تعاملات به سمت شرق متمایل شود». این کارشناس معتقد است: «امضای توافق‌ها و تفاهم‌های

بلندمدت با کشورهایی مانند چین و روسیه در این چارچوب قابل فهم است، اما در عین حال ایسن وضعیت نمی‌تواند جایگزین کامل تعامل متوازن با غرب شود، به‌ویژه با توجه به نیازهای فناورانه و اقتصادی ایران». او تصریح می‌کند: «حتی کشورهایی مانند چین نیز در مسیر توسعه خود از ظرفیت‌های فناوری غرب بهره برده‌اند و بنابراین ایران نیز در صورت کاهش تنش‌ها می‌تواند وارد مرحله‌ای از تعاملات متوازن‌تر با جهان شود». با این حال تحلیلگر حوزه سیاسی هشدار می‌دهد: «نباید نسبت به این روند دچار خوش‌بینی افراطی شد، زیرا اختلافات ساختاری ایران و آمریکا عمیق است و بخش مهمی از تحریم‌ها در سطح کنکره آمریکا تصویب شده و لغو آنها نیازمند فرایند‌های طولانی‌مدت است». در نگاه معین‌آبادی: «اگر چه مسیر پیش‌رو، دشوار و زمان‌بر است، اما تفاهم اولیه می‌تواند فرصت‌هایی برای بازتعریف سیاست خارجی ایران ایجاد کند، به‌گونه‌ای که کشور نه در جایگاه یک بازیگر دست‌دوم، بلکه به عنوان یک قدرت اثرگذار منطقه‌ای بتواند از ظرفیت‌های خود در حوزه دیپلماسی، اقتصاد و کاهش فشارهای خارجی استفاده کند. مشروط بر آنکه این فرصت با نگاهی هوشمندانه و واقع‌گرایانه مدیریت شود».